

آرش بر فراز

خبر را خواندم

دو جوان ایرانی بر بالای دار
بیرق تجاوز و خشم و ستم زمامداران
اعدامشان کردید . .
زنده اشان کردید . .
آرش را بیادمان آوردید

" که آرش جان خود در تیر خواهد کرد
کار صدها، صدهزاران تیغه ی شمشیر خواهد کرد" (۱)

می گریستم

آه پسران، آه مادران
من هم پسر دارم، من هم مادرم

کودکم آمده با نگاهی پُر پرسش : چرا گریه می کنی؟
" بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران" (۲)

گفتم:

نزدیک های بهار، ابرها بسیار می بارند

می بارند نا بهار بیاید

گفتم:

امروز دو آهوی زیبا رمیده اند

از سرزمین بیداد

تند رفتند، زود رفتند، بر خاطره ها خط کشیدند

" آهو استاد و نگه کرد و رمید

دشت را خط غباری بکشید" (۳)

آتوسا آناهید

(۱) سیاوش کسرایی

(۲) سعدی

(۳) زنده یاد پرویز خانلری